

طرح بحث مافیا کلیت سیستم را محکوم می‌کند

گفت‌وگو با: عباس عبدی

ویژه‌نامه اعتماد، ۸۷/۲/۱۴



چکیده: اظهارات اخیر آقای محمود احمدی‌نژاد رئیس دولت در باب مافیا از زوایای مختلفی قابل بررسی است؛ زیرا اولاً مافیا به مفهومی که در غرب و ایتالیا وجود دارد، در ایران وجود ندارد. چون به لحاظ فرهنگ، رفتار تشکیلاتی و رعایت سلسله مراتب بسیار نامرتب هستیم. تنها مورد استغنا سازمان مجاهدین خلق است. البته در ایران وجود شبکه غیر رسمی و غیر تشکیلاتی که در پی دستیابی به منافع اقتصادی هستند و در تشکیلات دولتی هم نفوذ دارند را مسامحتاً مافیا می‌گویند.

○ تعریف کلی شما از مافیا چیست و آیا با شناخت و مصادیقی که در باب مافیا در غرب و کشورهای

چون ایتالیا وجود دارد، می‌توان آن را با جامعه ایران منطبق ساخت؟

● تصور نمی‌کنم مافیا به مفهومی که در غرب و ایتالیا هست در ایران وجود داشته باشد. البته نه به این دلیل که ما جامعه خیلی سالمی هستیم و کسی درست کردن مافیا را در خیال خود نمی‌پروراند بلکه به این دلیل که در ایران به لحاظ فرهنگ رفتار تشکیلاتی و رعایت سلسله مراتب بسیار نامرتب هستیم و این ویژگی نه تنها خود را در عدم و شکل نگرفتن تشکیلات مخوف و مجرمانه نشان می‌دهد، بلکه از آن مهم‌تر نظامی اداری و حزبی کارآمد هم به دلیل این ویژگی رفتاری که فعلاً وجود دارد، شکل نمی‌گیرد.

به علاوه توجه کنیم که اگر چنین تشکیلاتی وجود داشته باشد، بیش از مافیا، کلیت

بازتاب اندیشه ۹۸

۵۰
طرح
بحث مافیا
کلیت
سیستم را
محکوم
می‌کند

سیستم سیاسی محکوم می‌شود. همچنان که در ایتالیا هم چنین بود، زیرا تشکیلات مافیا بدون همراهی سیستم سیاسی و اطلاعاتی و پلیس و دادگاه نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. در ایران وجود شبکه غیر رسمی و غیر تشکیلاتی که در پی دستیابی به منافع اقتصادی هستند و در تشکیلات دولتی هم نفوذ دارند را مسامحتاً مافیا می‌گویند. البته در مقاطعی و در اوایل دهه هفتاد که برخی دستگاه‌های مهم هم وارد این معاملات شده بودند، نوعی مافیای رفیق شکل گرفته بود که با آمدن اصلاحات بساط آن برچیده شد و اکنون هم این احتمال وجود دارد که به نحو دیگری در صدد بازسازی خود باشند.

تردیدی نداشته باشید که ادعای مقامات رسمی در خصوص وجود فساد گسترده صحیح است و این نکته جدیدی نیست. شاخص‌های ایران در خصوص درجه فساد نشان‌دهنده وجود گسترده این مشکل در نظام اداری ماست. بنابراین مشکل اصلی ما بحث درباره بود و نبود فساد نیست، بلکه دو نکته مهم دیگر را باید مشخص کرد.

○ فساد چیست؟

● فساد رفتاری است که از وظایف رسمی یک نقش عمومی به خاطر ملاحظه خصوصی (شخصی، خانوادگی، باند خصوصی) به سودهای نقدی یا منزلتی منحرف شود. یا مقررات را به خاطر انواع ویژه‌ای از اعمال نفوذ خصوصی نقد کند. این رفتار شامل استفاده از پاداش برای منحرف کردن داوران اشخاص نسبت به خود، آشناپرویی (اعطای حمایت به دلیل رابطه نسبی و نه شایستگی) و سوء تخصیص منابع (تخصیص غیر قانونی منابع عمومی و استفاده خصوصی) می‌باشد.

با توجه به این تعاریف اکنون می‌توان انتخاب افراد فامیل و رفیق را به پست‌های نان و آب‌دار و نیز پرداخت پول در حضر و سفر را به این و آن (ولو گیرنده محتاج هم باشد، چون اعطای پول برای تغییر داوران گیرنده نسبت به دهنده است، مصداق فساد و رشوه سیاسی است) و تصمیمات غیر قانونی و غلط و... همه از مظاهر واقعی فساد هستند. فکر نکنیم افراد فاسد باید لزوماً دارای ثروت زیادی باشند که از راه فساد به دست آورده‌اند، بلکه افرادی که اموال کشور را تلف می‌کنند تا آتش شهوت قدرت خود را خاموش کنند، بیش از افراد دیگر به فساد دامن می‌زنند.

نکته بعدی راه‌حل‌های مبارزه با فساد است. برخی‌ها راه حلی را برای مبارزه با فساد ارائه

می‌کنند که در اصل موجب فساد است. مثل این‌که آتشی را بخواهیم با بنزین خاموش کنیم یا مثل جراحی با وسایل بسیار آلوده است که مریض را از آلودگی اخیرش می‌کشد. راه‌حل‌های شخصی مبارزه با فساد و این‌که افراد سالم را مصدر امور کنیم تا فساد را از میان بردارند از جمله این راه‌حل‌های غلط است. نه این‌که افراد سالم در مصادر امور قرار نگیرند، بلکه باید توجه داشت گروه‌های فاسد امروز، در گذشته هم از همین افراد بسیار سالم بودند، اما کم‌کم به دلایل متعدد به این راه کشیده شدند و حتی بسیاری از آنها به زعم خودشان توجیهات اخلاقی هم برای کارشان دارند. بنابراین بدترین راه برای مبارزه با فساد، تأکید صرف بر اشخاص و فراموشی لزوم ترمیم و اصلاح فرآیندها و ساختارهای نظارتی است. زمینه شکل‌گیری فساد از منظر روان‌شناختی بحث دیگری است و در تمامی جوامع این موضوع تا حدی مشترک است، اما عناصر فرآیندی، نظارتی و مادی نقش اول را در وجود و گستره فساد دارند. شفاف و روشن نبودن مقررات، ضعف استقلال قاضی و دستگاه قضایی، فقدان نهادهای نظارتی عمومی مثل مطبوعات، احزاب و نهادهای مدنی، فقدان دموکراسی و انتخابات آزاد و استقلال منابع مالی دولت از خلال درآمدهای عظیم مثل نفت که دولت را مصرف‌کننده این درآمد می‌کند، حجیم بودن نظام اداری و... ریشه‌های اصلی فساد در کشورها هستند و هر کس که قصد مبارزه با فساد را دارد، باید این موانع را برطرف کند و کسی که به این عوامل اشاره‌ای نمی‌کند، سهل است که آنها را تشدید هم می‌کند و کاری جز تعمیق فساد در جامعه انجام نخواهد داد، حتی اگر خالصانه طرفدار مبارزه و حذف فساد باشد.

از همه مهم‌تر این‌که در مبارزه با فساد دستگاه قضایی حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه است و تنها حلقه مبارزه نیست، از این روست که نتایج مثبتی برای آن اقدامات را شاهد نیستیم به ویژه آن‌که استمرار نداشت. بعداً قضایای برنج، شکر و... مطرح شد و هیچ‌گاه هم رسیدگی نشد.

○ آقای احمدی‌نژاد در آخرین سال حکومت، وعده «ایستادن در برابر ساختار فاسد تا آخرین لحظه» را می‌دهد. به نظر شما با توجه به پایگاه و جایگاه احمدی‌نژاد چنین اقدامی ممکن است؟

● سال آینده هم به اندازه یک سوم سه سال گذشته می‌تواند با فساد مبارزه کند، که در واقع صفر است. چون دولت مخالف فساد، وظیفه‌اش اصلاح و بهبود عوامل فوق‌الذکر است که در بروز فساد نقش اصلی را دارند و متأسفانه در زمینه از میان بردن عوامل مذکور شاهد اقدامات دولت نیستیم. سهل است که خلاف این روند را می‌بینیم، بنابراین اگر فساد و رتبه ما در آن بیشتر نشود کمتر هم نخواهد شد.

سخنان آقای عبدی در مساله مافیا از جهات متعددی نادرست است که به برخی موارد اشاره‌ای می‌شود:

۱. این که «چنین چیزی (مافیا) را شاید نداریم اگر هم باشد باید آثار تشکیلاتی آن را دید» به خوبی گویای این مطلب است که ایشان اطلاعات چندانی درباره مافیا در ایران ندارند؛ زیرا می‌توان گفت که شاید هم باشد. لذا این گونه سخن گفتن شایسته اشخاصی که صاحب نظر در مسائل سیاسی تلقی می‌شوند نمی‌باشد.

۲. این ادعا را که «اگر چنین تشکیلاتی وجود داشته باشد بیش از مافیا کلیت سیستم سیاسی محکوم می‌شود، زیرا تشکیلات مافیا بدون همراهی سیستم سیاسی و اطلاعاتی و پلیس و دادگاه نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد» نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا اولاً: ایشان مافیا را در معنای خاص و در نظایری همچون مافیاهای موجود در کشور ایتالیا می‌بینند؛ در حالی که مافیا در هر کشوری متناسب با همان کشور تعریف و توصیف می‌گردد. پس بی‌شک وجود مافیا در ایران بدین معنا چیز بعیدی نیست. ثانیاً: مراد رئیس جمهور از بیان مافیا و این که در کشور شبکه‌هایی ظهور و بروز یافته‌اند که مانع از انعکاس فعالیت‌های دولت در نظام بخشی و سامان دادن به اقتصاد کشور می‌باشند، (که البته بخشی از این به خاطر اهمال برخی مسئولین سابق و بخشی هم به خاطر ضعف اقتصادی کشور می‌باشد). ارتباطی با زیر سؤال بردن کلیت سیستم ندارد؛ بلکه بیان واقعیتی است که باید مسئولین مربوطه به دنبال راه علاج منطقی آن باشند.

۳. طرح این مطلب که «در اوائل دهه هفتاد که برخی دستگاه‌های مهم وارد معاملات شده بودند نوعی مافیای رقیق شکل گرفته بود که با آمدن اصلاحات بساط آن برچیده شد و اکنون هم این احتمال وجود دارد که به نحو دیگری درصدد بازسازی خود باشند» به نظر می‌رسد به نوعی تظہیر برخی دولت‌های پیشین و آلوده شدن دولت کنونی در دام مفاسد اداری باشد درحالی‌که شکست برخی جریان‌ات در انتخابات شاید بتواند یکی از نشانه‌های ناصوابی ادعای ایشان باشد.

۴. ایشان «فقدان نهادهای نظارتی مانند احزاب و نهادهای مدنی، فقدان دموکراسی و انتخابات آزاد و استقلال منابع مالی دولت از خلال درآمدهای عظیم مثل نفت که دولت را مصرف کننده این درآمد می‌کند و حجیم بودن نظام اداری را از ریشه‌های فساد در کشور برشمرده‌اند»، در حالی که نهادهای نظارتی قانونی مطابق با آنچه که در قانون اساسی آمده، ارگان‌هایی همچون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری می‌باشند که حیطة وظایف و مسؤولیت هر یک به روشنی تبیین شده است. اما در خصوص احزاب و نهادهای مدنی و دموکراسی باید قبول داشت که هر چند این نهادها می‌توانند به طور غیر

مستقیم به بحث نظارت در کشور کمک کنند ولی این احتمال هم هست که در برابر مفاسد هم حزبی‌های خود، به دیده اغماض بنگرند و حتی در برخی موارد با جوسازی‌های سیاسی مانع اجرای عدالت و زوال فساد در جامعه گردند.

به نظر می‌رسد که جهت زدودن ریشه‌های فساد از جامعه باید نویسنده محترم به جای - رویکردهای صرفاً سیاسی به تحلیل‌هایی همه جانبه نگر و علمی اقدام نمایند که بدون شک در این گونه تحلیل‌ها است که منافع ملی و جامعه تأمین می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی